

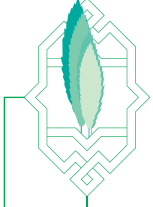
Isfahan Grand Mosque and Owqaf repairs in the contemporary era

AbdolMahdi Rajayi*

Abstract

Isfahan Jame' Mosque is the oldest mosque in this city. In the investigation of the progress of the restoration of this mosque in the contemporary era, especially during the constitutional era and Reza Shah, there are not many documents left and more importantly, the role of Owqaf administration has been less seen. In this article, by referring to the documents left over from the constitutional era and the newspapers and books of Reza Shah's era, the renovations made in this period of time are analyzed. And it is shown how the management of the Owqaf Department was to restore the mentioned mosque and collect the heavy cost of this project. In the article, it is shown that on the eve of the First World War, the Isfahan Owqaf administration did not have the budget to pay for the restoration of the said mosque, and on the other hand, the mosque was on the verge of destruction; People's aid was received. Several years later, during the period of Reza Shah, with the revival of Owqaf and government attention with a heritage and tourism approach, major repairs were carried out in Isfahan Jame' Mosque. The details of the repairs are reflected in the article as architectural documents. At this time, due to the construction of the street, this mosque came out of isolation. The collection of information is based on documents and newspapers, and our findings are basically the report of these renovations and developments related to Isfahan Jame' Mosque.

Key words: Isfahan, Jame' Mosque, Atiq Mosque, Restoration, Owqaf administration.



مسجد جامع أصفهان والإصلاحات الوقفية في العصر الحديث

عبدالمهدى رجائي*

الخلاصة

تم اجراء هذا الطرح لغرض تقديم النموذج الامثل لتطوير نظام تقليل الاستحواذ بهدف تحرير الأنشطة و زيادة المشاركة الرصينة للامناء في إدارة أوقاف الدولة لجعلها أكثر رشاقّة و شعبيةً و تحسين كفاءة الأوقاف. و من حيث النتائج، يعتبر هذا البحث بمثابة بحث تنموي، لأنه يسعى من خلال التصميم النموذجي إلى تقليل مدة الاستحواذ و السيطرة على إدارة الوقف. و من حيث الغرض من إجراء هذا البحث فهو جزء من البحث الاستكشافي، و على هذا الأساس تكون استراتيجية البحث من النوع الميداني. و لهذا الغرض، و باستخدام العينات النظرية، تم إجراء مقابلات معمقة و شبه منظمة مع مديري الأوقاف في المؤسسة الوقفية و كذلك أساتذة الإدارة. استمر اخذ العينات حتى و صلت الإجابات إلى مرحلة الاشباع (٢٢ مقابلة). كانت النتائج وفقاً لاختيار نهج أساس البيانات المنهجي لتصميم النموذج هي: الرصيد البشري للوقف، النمو السريع للتكنولوجيا، تسويق الوقف، عدم وجود المرونة في الهيكل التنظيمي، التغيرات البيئية، الضغوط القانونية و التنظيمية كظروف سببية، عوامل الاقتصاد الكلي، السياق الاجتماعي-الإطار الثقافي و القانوني و التنظيمي، التغيرات التكنولوجية كظروف متداخلة مع محيط الوقف الصغير، قدرات الوقف و الموقوفات، بيئة التشغيل كظروف أساسية فقد تم اعتماد كل ذلك بعنوان مستلزمات اساسية. و تم تحديد الاستراتيجيات في ٥ موارد هي: تعزيز المساءلة و الشفافية، الابتكار و تحسين الأداء، تعزيز المشاركة و التعاون، تحسين البيئة القانونية و التنظيمية، تنمية الموارد المالية و الاستثمار، هذه النقاط الخمسة لها آثار إيجابية تظهر فيما بعد و تتمثل في زيادة الإنتاجية و الكفاءة، الابتكار و الإبداع، الحد من التكاليف، زيادة الشفافية و المساءلة، استخدام التقنيات الجديدة، تنمية الموارد البشرية و العواقب السلبية في شكل تقليل الرقابة، زيادة التكاليف قصيرة الأجل، تقليل تحفيز الموظفين، مشاكل التنسيق و الاعتماد على الشركات الخاصة. و قد تم شرح و تبين هذه العوامل في شكل نموذجي.

الكلمات المفتاحية: التوكيل، التعهد، التعهد، الوقف، بيانات المؤسسة

*. حصل على درجة الدكتوراه في التاريخ من جامعة أصفهان، أصفهان بجوه

M1350323@yahoo.com

مسجد جامع اصفهان و تعمیرات اوقافی در دوران معاصر

مقاله پژوهشی

عبدالمهدی رجائی*

چکیده

مسجد جامع اصفهان کهن‌ترین مسجد موجود در این شهر است. در بررسی سیر تحولات مرمتی این مسجد در دوران معاصر خصوصاً در دوران مشروطه و رضاشاه، اسناد زیادی برجای نمانده است. از آن مهم‌تر نقش اداره اوقاف کمتر دیده شده است. در مقاله حاضر کوشش می‌شود با مراجعه به اسناد برجای مانده از عصر مشروطه و روزنامه‌ها و کتب دوران رضاشاه، مرمت‌های صورت گرفته در این بازه زمانی واکاوی شده و نشان داده می‌شود مدیریت اداره اوقاف برای انجام مرمت مسجد مذکور و جمع‌آوری هزینه سنگین این پروژه به چه صورت بوده است

در مقاله نشان داده شده است در آستانه جنگ جهانی اول، اداره اوقاف اصفهان که بودجه‌ای برای پرداخت مرمت مسجد مذکور نداشت و از سویی آن مسجد رو به ویرانی نهاده بود، دست به دامن کمک‌های مردمی گردید. چندین سال بعد هم در دوره رضاشاه با احیای موقوفات و توجه دولتی با رویکرد میراثی و گردشگری، تعمیرات اساسی در مسجد جامع اصفهان صورت گرفت. جزئیات تعمیرات به عنوان اسناد معماری در مقاله منعکس می‌باشد. در این زمان به دلیل خیابان‌کشی این مسجد از انزوا خارج شد. گردآوری اطلاعات بر اساس اسناد و روزنامه‌ها است و یافته‌ها در اصل گزارش این مرمت‌ها و تحولات مربوط به مسجد جامع اصفهان است.

کلید واژه: اصفهان، مسجد جامع، مسجد عتیق، مرمت، اداره اوقاف



مقدمه

مسجد عتیق یا همان مسجد جامع اصفهان به واقع نمایشگاهی از معماری ایران دوران اسلامی است. این مسجد چهار ایوانی که در کنار میدان عتیق اصفهان قرار دارد، در قرون اولیه اسلامی در همین مکان ساخته شد و نخستین جایی بود کارکردهای مسجد جامع را در اصفهان بر عهده گرفت. این مسجد خشت و گلی ابتدایی در طی سال‌ها بعد و توسط سلسله‌های مختلف روند تکاملی خود را طی کرد و هر سلسله‌ای چیزی بر آن افزود. اما مهمترین تغییرات در زمان سلجوقیان حادث گردید که گنبد نظام‌الملک در جنوب و گنبد تاج‌الملک در شمال مسجد ساخته شده و ایوان‌های چهارگانه نیز برپا گردیدند. با همه این داشته‌ها اما شوربختانه این مسجد باشکوه در سال‌های پس از انقلاب مشروطیت، که به نوعی آشفته‌گی در ارکان سیاسی و اجتماعی کشور به وجود آمد، مورد بی توجهی مسئولین و مردم اصفهان قرار گرفت و رو به انهدام رفت. در این میان اداره اوقاف اصفهان در سال ۱۳۳۱ق/ ۱۲۹۲ش دست به کار شد و چون خود توان پرداخت هزینه‌های مرمت را نداشت، از مردم کمک خواست. احتمالاً در زمستان آن سال مسجد به واسطه باران و برف آسیب دیده و تصمیم گرفته شده بود با آغاز فصل بهار تعمیرات مسجد انجام شود. (آغاز نامه‌نگاری ۹ فروردین ۱۲۹۲ است) پس اداره اوقاف اصفهان طی اطلاعیه‌ای موضوع را با مردم در میان نهاد و مشارکت آنان را طلبید. همچنین اشخاص و موسساتی را برای جمع‌آوری اعانه معرفی کرد. سپس نامه‌ای در گزارش اقداماتش به اداره اوقاف تهران فرستاد که آن هم جالب توجه است. بر صاحب این قلم معلوم نشد در پی فراخوان اداره اوقاف، آیا پولی جمع شد و مرمتی در مسجد صورت گرفت یا خیر؟ یا اینکه آشفته‌گی‌های پیش آمده در زمان جنگ جهانی اول مانع هر اقدامی گردید؟ اما مراجعه به منابع نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۳ش مرمت وسیع مسجد جامع توسط اداره معارف اصفهان شروع شد. گفتنی است ثبت کشوری مسجد مذکور در سال ۱۳۱۰ش در توجه دولت به آن بی‌تأثیر نبود، اما گنجینه‌ها و ارزشمندی این مسجد از جمله قدمت، معماری باشکوه، محراب الجایتو، همجواری با مقبره مجلسی و جاذبه‌های گردشگری، باعث شد مدیران وقت در دوره رضاشاه، به مرمت آن اقدام نمایند. اقدام دیگری که در

جهت حفاظت از مسجد و ممانعت از عبور و مرور زیاد در آن صورت گرفت آن بود که آن را از حالت گذر مسجد خارج کرده و همه درب‌های ورودی آن، بجز درب اصلی که رو به خیابان جدیدالتأسیس هاتف بود، مقفل گردیدند. کشیده شدن خیابان هاتف هم مسجد را از انزوای محله خارج کرد و دسترسی به مسجد آسانتر گردید. در این مقاله ضمن بیان کوشش‌های مذکور، گزارش مختصری از مرمت‌های صورت گرفته را خواهیم آورد.

تلاش برای نجات مسجد جامع

دو برگ سند از فعالیت اوقاف اصفهان برای نجات مسجد جامع در گنجینه سازمان اسناد ملی، برجای مانده است که ما به بازخوانی و بررسی آن می‌پردازیم. برگ نخست اطلاعاتی است که اداره اوقاف اصفهان خطاب به مردم نوشت و آنها را ترغیب کرد برای مرمت مسجد کمک کنند. اشخاصی را نیز به عنوان واسطه معرفی کرد. برگ دوم نیز گزارش این کار است که به تهران داده و در آن سند هم اطلاعات ذی‌قیمتی راجع به موقوفات مسجد جامع و میزان درآمد آن ارائه می‌شود. اطلاعات این اسناد، هم معطوف به اقدامات و راه‌حل‌های اداره اوقاف اصفهان است و هم راجع به مسجد جامع اصفهان و موقوفات آن نکات تازه‌ای را به گنجینه داده‌های ما خواهد افزود. از جمله اینکه در آن زمان (یکصد و پانزده سال پیش) مسجد مذکور از لحاظ آسیب‌های ساختمانی در چه وضعیتی بوده است، موقوفات آن چه بوده اند و چه مقدار درآمد داشته اند. همان مبلغ درآمد در کجاها برای مسجد هزینه می‌شد، اداره اوقاف برای احیای آن موقوفات چه اقداماتی انجام داده و چه چشم‌اندازی برای تدارک هزینه‌های مرمتی مسجد ترسیم می‌کرد. نکته بسیار مهم این که اداره اوقاف اصفهان برای تحریک مردم مومن به پرداخت اعانه مرمتی مسجد از دو عنصر استفاده کرده است: اول اشاره به این نکته که مسجد مذکور نشان دهنده «شکوه و عظمت اسلام و اسلامیت» است و لذا باید همه مسلمانان در مقابل آن احساس مسئولیت کنند. دوم آن که اگر این مسجد خراب شود «در نظر خارجه و داخله» موجب سرافکنده‌گی است. پس هر اصفهانی یا هر ایرانی در مقابل آن مسئولیت دارد. از این حیث همگی باید کمک کرده، «باب اعانه مرحمت و مفتوح فرمایند» تا با نظارت آن اداره، تعمیرات مسجد که قریب به انهدام است، انجام پذیرد.

در نامه‌ای که به اداره اوقاف تهران ارسال می‌گردد، معلوم می‌شود که موقوفات مسجد جامع چنان به تاراج رفته است که اکنون فقط مبلغ «یازده تومان» در ماه مال



الاجاره آنها برای مسجد مانده. اداره اوقاف اصفهان با تعمیر و احیای بعضی دکان‌ها مبلغ مال الاجاره را به «سی و نه تومان» رسانیده است. اگر تعمیرات دکانی که در حال انجام است به پایان برسد، این مبلغ به «چهل و پنج تومان» می‌رسد که تازه با هزینه‌ها و قروض مسجد برابر می‌شود. یعنی عملاً پولی برای مرمت نمی‌ماند، بنابر این اداره اوقاف اصفهان دست به دامن مردم خیر شده است

متن اسناد

در نامه‌ای که سربرگ اداره اوقاف اصفهان دارد و تاریخ ۲۰ ربیع الثانیه ۱۳۳۱ مصادف با ۹ فروردین ۱۲۹۲ درج شده، نوشته شده است «سواد اعلان که جهت مسجد عتیق جامع اصفهان بعد از تصویب داده شد» احتمالاً اداره اوقاف قصد داشت مانند روال آن روزگار، متن زیر را به صورت یک «اعلامیه» توسط یکی از چاپخانه‌های اصفهان منتشر کند. مخاطب اعلامیه «عموم اهالی اصفهان و سایر بلاد ایران» است. استعانت از سایر بلاد ایران در روزگاری که روزنامه و همان اعلامیه‌های چاپ شده تنها «رسانه» موجود بودند جالب توجه است نخستین جملات اطلاعیه اوقاف، فروتنی و میزان نیاز اداره را می‌رساند «با کمال احترام و یک ندای مسترحمانه [طلب رحم کردن] اسلامی عرضه می‌دارد مسجد جامع عتیق اصفهان که یکی از نمایش دهندگان شکوه و عظمت اسلام و اسلامیت است، و از حیث بنا، قدیم ترین مساجد اسلامی خاصه در ایران است، امروز به واسطه عدم توجه اولیای امور مندرس و مخروبه و نزدیک به انعدام و انهدام است موقوفاتی که از نماء [در آمد] آن بشود فی‌الجمله تعمیری به مسجد مذکور نمود، امروز ندارد، بلکه به مرور ایام و اعوام [سال‌ها] و عدم توجه ائمه جماعت، مسجد مذکور رقباتی که وقف بر مسجد بوده، به کلی از بین رفته و چیزی که باقیست چند باب دکان است، با نهایت غسر و هَرَج [کذا] نماء آن صرف روشنایی و خادم و موذن آن می‌شود و هر گاه این بنای بزرگ عتیق، که تاریخ شکوه اسلامیت را در نظر خارجه و داخله ارائه می‌دهد و به بینندگان آثار عظمت و ابهت اسلام را جلوه و نمایش می‌دهد، مورد توجه خاص عموم مسلمین نگردد، و ملبس به لباس تعمیری نشود، عماقرب به اندک صدمه از باران و غیره از پای می‌نشیند و منهدم می‌گردد» (ساکما ۳۴۵۲۱ / ۲۹۷) تا اینجا گزارش وضعیت مسجد است، از اینجا به بعد دلایلی می‌آید برای قانع کردن مخاطب که موضوع را جدی گرفته و دست به جیب شود «همه مسلمین خیر و بصیر و آگاهند که ابهت هر ملت بسته به امکان

قدیمه باشکوه آن ملت است و نیز ضعف و نکبت شان هم توأم به تخریب و تقدیم همان اماکنه است و همچنین هر ملتی که امکان مقدسه خود را بیشتر مقدس و محترم داشته و زیادتیر در حفظ و حراستش کوشیدند و همه روزه در آبادی و تعمیرش سعی شدند، در انظار دیگران بیشتر دارای احترام و تقدیس شدند. علی‌هذا ملت اسلامی را سزااست که پاس حقوق اسلامیت را نگاه داشته، بزرگترین بنای مقدس خود را که شکوه اسلامیت را نشان می‌دهد، از تزلزل و انهدام محفوظ بدارند و نگذارند که از تخریب آن، لطمه به عالم اسلامیت وارد آید. بهتر آن که عموم مسلمین سعی جمیل مبذول فرموده، باب اعانه مرحمت و مفتوح فرمایند و هر یک به قدر قوه خود از صد دینار الی هزار تومان از برای تعمیر مسجد مذکور اعانه مرحمت نمایند^۱ اما مسلمین خیر اعانه‌های خود را باید چگونه به اداره اوقاف یا صندوق مخصوص این کار ارسال دارند؟ به این منظور دو تن از تجار ثروتمند اصفهان که در ایران و شهرهای دیگر جهان به داد و ستد مشغول بوده و دفتر تجاری داشتند، اعلام آمادگی کرده بودند: ملک التجار^۲ و امین التجار^۳. اعانه‌ها باید به تجارتخانه‌های آنها سپرده شود «اعانه را باید در تجارتخانه محترمه حاجی ملک التجار یا حاجی امین التجار (زید عَزه‌ها) برات فرموده، قبض دریافت دارند» اما نقش علمای اصفهان در این میان کجاست؟ نکته در این است که اعانه‌ها باید با اطلاع علمای اعلام و شاید اجازه آنها هزینه شود^۴ تا پس از تکمیل و جمع آوری وجوه به اطلاع علمای اعلام و سایر محترمین عظام، مشغول تعمیر مسجد مذکور شده، شکوه اسلامیت را محفوظ داریم^۵ (ساکما ۳۴۵۲۱ / ۲۹۷) این اطلاعیه که قرار بود در روزنامه‌ها یا به صورت مستقل چاپ شود، فاقد امضا بوده و فقط بر آن «دفتر اوقاف اصفهان» مهر کرده است.

سند دوم نامه میرزا مسیح^۶، رئیس اداره اوقاف اصفهان به رئیس اداره کل اوقاف کشوری

۱. حاج محمد ابراهیم ملک‌التجار بزرگ‌ترین تاجر اصفهان در اوان مشروطیت بود که از طرف همین طبقه نیز به عضویت نخستین دوره انجمن ولایتی اصفهان در آمد. ملک‌التجار پس از استبداد صغیر تقریباً سیاست را به کناری نهاد. از این تاجر خیر آثاری چون تیمچه ملک، انگورستان ملک و تکیه ملک باقی مانده است. ملک‌التجار به سال ۱۳۴۱ ق از دنیا رفت و در بقعه‌ای که در جنب حسینیه خودش در محله باقلعه بنا نهاده بود به خاک رفت (راجع به او ر.ک: مهدوی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۷)

۲. سید حبیب الله امین‌التجار اصفهانی فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار و برادر بانو مجتهده امین از خاندان خاتون آبادی اصفهان می باشد. وی از مبارزین اولیه مشروطیت اصفهان بود که بعدها به حزب دموکرات شعبه اصفهان پیوست. در زمان جنگ جهانی اول از اعضای مؤثر کمیته دفاع ملی بود. وی در دوره‌های چهارم و پنجم و پانزدهم نماینده اصفهان در مجلس شورای ملی گردید. در اوایل حکومت پهلوی با کمک تیمورتاش نمایندگی انحصاری تریاک را در سراسر کشور به دست آورد، اما با سقوط تیمورتاش به اتهام دادن رشوه به وی، او هم شش ماه به زندان رفت و هم اتهامی بر تیمورتاش اضافه گردید. امین‌التجار بالاخره به سال ۱۳۶۹ ق درگذشت و در تخت‌فولاد به خاک رفت (عقیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴)

۳. درباره میرزا مسیح نماینده اوقاف در اصفهان یا رئیس اداره اوقاف اصفهان اطلاعات ما بسیار اندک است. در مقاله پیشین اینجانب در مجله «وقف میراث جاویدان» هم ذکری از او گردید و این که در دی ۱۲۹۸ از کار خود معزول



است و یک روز بعد از نامه اول، به تاریخ ۲۱ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۱ / ۱۰ فروردین ۱۲۹۲ نوشته شده است. مخاطب آن «رئیس محترم کل اوقاف» است

میرزا مسیح به مقامات مافوق خود نوشت «مسجد جامع عتیق که یکی از بناهای عتیق اسلامی و بهتر از هر علامتی موضح [توضیح کننده] در عظمت و ابهت اسلام است، قریب به انهدام، موقوفات باقی مانده از ایام ماضی بدو^۱ که اداره اوقاف دخالت نمود، ماهی یازده تومان مال الاجاره داشت. حالیه بواسطه احیای بعضی رقبات و تعمیر رقبات دیگر، مال الاجاره به ماهی سی و نه تومان رسیده است و یک باب دکان دیگر هست که از طرف اداره مشغول تعمیر هستیم که اگر تعمیر شود، جمعتان ماهی چهل و پنج تومان می شود، ولی دین ها [بدهی ها] همین قدر است. صرف روشنایی، بوریا و قروض سابقه مسجد شود. اداره اوقاف به همراهی آقای محاسب الدوله و حاجی ملک التجار و حاجی امین التجار خیال دفتر اعانه از برای تعمیر مسجد نموده است و عمده دخالت این دو سه نفر برای این است که عموم مردم بدانند و اگر چیزی اعانه می دهند حیف و میل نمی شود و به مصرف خود مسجد می رسد. چنان چه اجازه بفرمایید شروع به عملیات بنماییم. زیاده عرض ندارد.» (ساکما ۳۴۵۲۱ / ۲۹۷) با کمال تأسف نامه دیگری از این پرونده به دست ما نرسیده است.^۲ این که چه مقدار پول جمع شد و اصلاً تعمیری صورت گرفت یا خیر. اما نام شخص سومی که در نامه میرزا مسیح آمده جالب توجه است. او آقاخان محاسب الدوله^۳، یک چهره فرهنگی را نیز به جمع دو نفری اضافه کرد. بدین خاطر که اعتماد مردم برای پرداخت اعانه بیشتر جلب شود

دوران رضاشاه و مرمت ابنیه

قاجاریه کارنامه خوبی در حفظ آثار تاریخی نداشت. هرچه را که نمی توانست به عمد خراب کند، با بی توجهی به دست باد و باران می سپرد که خراب شوند. سعید نفیسی، ادیب و پژوهشگر معروف در سال ۱۳۰۸ ش سفری به اصفهان کرد و درباره خرابی ابنیه تاریخی شهر نامه مفصلی نوشت که در روزنامه اخگر به چاپ رسید. او در این نامه مسجد

و به طرز عجیبی از اصفهان فراری گردید. (رجائی، ۱۴۰۰، ص ۳۰)

۱. کل این پرونده در سازمان اسناد ملی ۳ صفحه است که یک صفحه آن کاربرگ سند می باشد.
۲. آقاخان محاسب الدوله متولد ۱۲۷۴ق در تهران و تحصیل کرده دارالفنون که به سال ۱۳۰۵ق به اصفهان آمد و مشاغل زیادی از جمله معاونت بانک شاهی، عضویت درانجمن ولایتی و نیز ریاست اداره معارف اصفهان را داشت. سرانجام نیز به سال ۱۳۵۶ ق وفات کرده در مسجد رحیم خان مدفون گردید. او را می توان یکی از بنیانگذاران معارف جدید در اصفهان خواند. (راجع به او رک: رجایی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۳)

جامع را «کاروانسرای خرابه‌ای که در سر راه متروکی افتاده باشد» دید: «مسجد جامع، که از قدیم‌ترین بناهای دوره اسلامی ایران است، مانند کاروانسرای خرابه‌ای که در سر راه متروکی افتاده باشد از در و دیوار اشک می‌ریزد و شکاف‌های آن هر يك به دیگر زمانی از بی‌قیدی اهالی اصفهان ناله می‌کند.» او پس از مرثیه جانگداز بر تک تک ابنیه شهر، در پایان سخن درستی را گوشزد مردم اصفهان و مسئولین آن می‌کند «حالا آنچه را که می‌گویند ظل‌السلطان خراب کرده و از بین رفته است و چون عوض ندارد جز افسوس خوردن چاره‌ای نیست، ولی باید دید مردم اصفهان برای نگاهداری آنچه مانده چه فکر خواهند کرد؟» (روزنامه اخگر، ش ۱۴۹، ۱۰ تیر ۱۳۰۸ به نقل از رجائی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۳)

دو سال بعد از سعید نفیسی، عباس مسعودی، مدیر روزنامه اطلاعات، به اصفهان آمد و مشاهدات خود از آثار تاریخی را در روزنامه اش قلمی کرد. او احتمالاً موفق به بازدید از مسجد جامع نشده باشد، اما راجع به مسجد جامع عباسی و نیز مسجد شیخ لطف الله این گونه با تأثر یاد می‌کند «هنوز معلوم نیست دولت نسبت به سرپرستی این مساجد و ابنیه تاریخی چه تصمیمی اتخاذ کرده، شنیده شد که اداره معارف اصفهان اکنون در امور عایدات مساجد و نگاهداری آنها اقدام می‌کند. اگر سرپرستی اداره معارف همین باشد چه بهتر از این که آن را به طبیعت واگذار کنند، شاید یک آدم خدانشناسی پیدا شود محض رضای خدا گرد و غبار و چرک و کثافت را از روی این کاشی‌ها پاک کند. همچنین کاشی‌ها و اشیاء نفیس و ذی قیمت مسجد را از دستبرد، حفظ و پرستاری نماید. والا با این ترتیبی که مشاهده شد هیچ امیدواری نیست نسبت به حفظ آثار تاریخی اصفهان اقدامات لازم به عمل آید و توجه کامل از آنها بشود.» (اطلاعات، ش ۱۳۰۵، ۴ اردیبهشت ۱۳۱۰ به نقل از مسعودی، ۱۴۰۱، ص ۶۵) بر همین قیاس می‌توان حال و روز مسجد جامع را نیز تصور کرد. اما مطالبه برای مرمت آثار تاریخی، در سطح گردشگران نبود، روزنامه‌های محلی نیز به طور مرتب ضرورت مرمت آنها را به مسئولین و زعمای قوم گوشزد می‌کردند. خصوصاً آنکه زمان رضاشاه حس مسئولیت شهروندان برای حفظ گنجینه‌های شهر بیشتر شده بود و آنها آگاهی بیشتری به رویکرد کشورهای دیگر نسبت به آثار تاریخی خود دریافته بودند. در مهر ۱۳۱۱ امیرقلی امینی، مدیر روزنامه اخگر با اشاره به میدان نقش جهان نوشت «شما تصور می‌کنید که اگر يك چنین میدان باشکوهی با عمارات و ابنیه بی‌نظیر اطراف آن در یکی از بلاد همین ترکیه و مصر که در شمار ممالک شرقی می‌آیند، وجود داشت، ممکن بود به این صورت فلاکت‌بار و خرابی افتاده و به جای این که مایه



افتخار آن‌ها باشد، امروز سرمایه ننگ و فضاقت آن‌ها بشود؟ آری مسجدشاه امروز هم باعث افتخار ماست و از مفاخر تاریخی ایران به شمار می‌رود. ولی در عین حال به عقیده من اگر با دیده حقیقت‌بین دیگری در این بنای معظم نظر نماییم، خواهیم دید که همین مفخر تاریخی مایه ننگ و بی‌آبرویی ملت ایران به شمار می‌رود. چرا؟ برای همان شکستگی‌هایی که به در و دیوار و طاق ایوان راه یافته، برای همین که بیست و چهار سال است يك قسمت کوچکی از گلدسته آن را توپ بیدادگران استبدادی خراب کرده (اشاره به عصر مشروطیت) و هنوز ما آن کفایت و لیاقت را نداشته‌ایم که به تعمیر و مرمت آن مبادرت نماییم. برای این که کاشی‌های آن همه روز فرو ریخته و آثار خرابی در آن راه می‌یابد و معذالك عرق غیرت و حمیت ما کوچک‌ترین حرکتی را برای جلوگیری از آن ریزش از خود ابراز نمی‌دارد. چرا عمارت عالی‌قاپو و چهلستون بایر و خراب افتاده؟ چرا این کاسه چینی بی‌نظیری را که دست قدرت سلاطین صفوی به نام مسجد شیخ لطف‌الله برای ما باقی گذارده است حفظ نمی‌کنیم؟» (اخگر، ش ۷۸۸، ۳ مهر ۱۳۱۱ به نقل از رجائی، ۱۳۸۷، ص ۴۷۳)

تاج الدین امامزاده مدیر فعال معارف

در این فضای فکری و خواستار تحول بود که در سال ۱۳۱۲ یکی از مدیران لایق و پر تلاش اداره معارف، به ریاست اداره معارف اصفهان منصوب گردد. «تاج‌الدین امامزاده» که از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۷ به مدت پنج سال بر این سمت باقی بود، فعالیت چشم‌گیری را در این رابطه انجام داده و بحق باید گفت ماندگاری و احیای آثار تاریخی اصفهان مدیون فکر و فعالیت اوست. امامزاده درآمدها و تشکیلات اوقاف اصفهان را سر و سامان داد. در قدم بعد، از وجوه جمع شده برای مرمت ابنیه تاریخی استفاده کرد «آقای امامزاده، رئیس محترم معارف کنونی اصفهان، از روزی که وارد اصفهان شده‌اند، دست به کار يك سلسله اصلاحات معارفی و اوقافی زده... بدو به اصلاح اوضاع اوقافی، که خود سرچشمه بزرگی برای پیشرفت امور مادی معارفی اصفهان به شمار می‌رود، پرداختند و منتهای کوشش را به کار بردند که از این راه عواید خوبی برای ازدیاد بودجه معارف اصفهان به دست آورده، قسمتی از آن را صرف اصلاح آثار تاریخی این شهر و قسمت دیگرش را صرف ساختمان بنای مدارس جدید و تعمیر و توسعه دایره معارف عمومی این شهر بنمایند... در نتیجه ازدیاد عواید اوقافی، آقای رئیس معارف در هذلسنه موفق شده‌اند که از يك طرف تعمیرات

قابل ملاحظه و مهمی در بنای تاریخی مدرسه چهارباغ کرده،... اقدام دیگر ایشان تعمیر مسجد شیخ لطف‌الله است که مهم‌ترین و زیباترین آثار تاریخی اصفهان به شمار می‌رود و به طوری که در چند شماره قبل خبر آن را درج کردیم، مدتی است شروع به تعمیرات آن گردیده که از آن جمله کاشی‌کاری روی گنبد مهم و قشنگ آن است. چه، تقریباً ثلث و بلکه قریب به نصف کاشی‌های آن سابقاً ریخته و منظره زیبای خود را از دست داده بود. اینک که از چوب بست کردن اطراف آن فراغت یافته‌اند، شروع به نصب کاشی‌های آن کرده‌اند و این اقدام بلاشک از بزرگ‌ترین اقدامات اصلاحی عصر کنونی ایران به شمار می‌رود. چرا که حقاً برای جامعه اصفهانی و بلکه ایرانی خیلی ناپسند بود که سیاحان خارجی وارد این شهر شده و آثار خرابی و فروریختگی این بناهای با عظمت را دیده و همین که به ممالک خویش باز می‌گشتند ما را به عنوان لاقید و بی‌اعتنا به آثار تاریخی خویش به باد فحش و انتقاد بگیرند» (اخگر، ش ۱۰۷۵، ۷ مهر ۱۳۱۴ به نقل از رجائی، ۱۳۷۸، ص ۴۹۹)

آن چه فعالیت‌های تاج الدین امامزاده را تسهیل می‌کرد، علاوه بر توانمندی‌های فردی، تغییراتی بود که در قوانین اوقافی کشور اتفاق افتاد. این قوانین تشکیلات اوقاف را بازسازی کرده و راه‌های جمع‌آوری و هزینه کرد درآمدهای آن را نظام‌مند کرد. مهم‌ترین قانون در این زمینه «قانون اوقاف» مصوب دی ماه ۱۳۱۳ و نظام‌نامه آن در سال ۱۳۱۴ بود. (عباسی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۹۵ -)

موقعیت گردشگری مسجد جامع و تسهیل دسترسی

اغلب سفرنامه نویسان و سیاحانی که در قرون مختلف از اصفهان بازدید کرده‌اند، مسجد جامع را از قلم نینداخته‌اند. نگاه گردشگری ارتقا دهنده رویکرد پیشین است. اگر در گذشته به واسطه ارزش ذاتی بنا، توجهی به آن می‌شد، حالا با ورود مقوله گردشگری، ارزش بنا دو چندان شده است. خصوصاً آن که بنای مذکور، نشان دهنده همت مردم شهر و آبروی آن می‌شود

اما در دوره معاصر چه مستنداتی داریم که مسجد جامع تا چه حد مورد توجه سیاحان بوده است؟ در آن زمان بلیت فروشی برای ابنیه تاریخی صورت نمی‌گرفت که ما از تعداد بلیت‌ها، میزان توجه به یک اثر تاریخی را درک کنیم. اما به طور کلی راجع به شهر اصفهان می‌دانیم که در سال ۱۳۱۰ ورود گردشگران به این شهر از حالت انفرادی خارج شده و به شکل دسته جمعی (تور) هم رسیده بود. این حقیقت را عباس مسعودی،



مدیر روزنامه اطلاعات، که در همین سال ۱۳۱۰ سری به اصفهان زد، بازگو کرد «ما از لحاظ حفظ موقعیت آثار تاریخی اصفهان و جلب نظر خارجی‌ها که هر هفته و هر ماه دسته دسته به اصفهان وارد می‌شوند، و چندی نخواهد گذشت که عده این مسافریں رو به تزیاید می‌رود، لازم می‌دانیم که برای محافظت و اداره کردن ابنیه اصفهان، فکر با مطالعه و نقشه‌ای نموده، این بناهای عظیم و درخشنده اصفهان را همه با نظر احترام نگریسته، جلال و عظمت آنها را محفوظ و مصون داریم.» (اطلاعات، ش ۱۳۰۸، ۷ اردیبهشت ۱۳۱۰ به نقل از مسعودی، ۱۴۰۱، ص ۶۵)

تحول بسیار مهم دیگر در تاریخ مسجد جامع، تسهیل دسترسی به آن است. سال ۱۳۱۲ش خیابان هاتف، از چهارباغ خواجه تا میدان طوقچی در شمال شهر کشیده شد. خیابانی که درست از روبروی درب اصلی مسجد مذکور گذر می‌کرد. بدین ترتیب گردشگران می‌توانستند تا نزدیک مسجد با اتومبیل بروند. روزی در سال ۱۳۱۴ امیر قلی امینی به یاد آورد که وقتی خیابان مذکور نبود، گردشگران چقدر برای گذر کردن از کوچه‌های تنگ و پر پیچ و خم و رسیدن به مسجد جامع مشکل داشتند

«هنوز فراموش نکرده‌ایم که برای رفتن به مسجد جامع و دروازه طوقچی، که امروز بر اثر وجود قسمت شمالی خیابان هاتف در نهایت سهولت و به فاصله کمی این راه را طی می‌کنیم، تا دو سه سال قبل چه قدر وقت ما به باطل صرف، و حوصله ما تنگ می‌شد. مخصوصاً چه قدر جای خجلت و شرمساری بود وقتی که خارجیان به زیارت و تماشای مسجد جامع، این اثر مهم و عتیق اصفهان، می‌رفتند و در بین راه درشکه یا اتومبیل آن‌ها با یک بار «یوشن» یا کاه تصادف و مدت یک ساعت معطل می‌ماندند، تا راه عبوری به دست آورده، خود را به مقصد رسانند. برخلاف امروز که در این ناحیه خیابان طولانی و وسیعی ایجاد گردیده و موجبات سهولت کامل عابریں قسمت شمالی شهر فراهم آمده است.» (روزنامه اخگر، ش ۱۰۴۰، ۱ خرداد ۱۳۱۴) در خلال سخنان مذکور می‌توان اولاً دانست که گردشگرانی در دوره رضاشاه مشتاق بازدید از مسجد جامع بوده اند و دوم آن که کشیدن شدن خیابان هاتف که بعدها به سه قسمت هاتف، نشاط و علامه مجلسی خوانده شد، چقدر در تسهیل دسترسی به مسجد جامع موثر بود. سهولت دسترسی اقبال بیشتر گردشگران را به همراه خواهد آورد و این امر توجه مسئولین به بنای تاریخی را افزایش خواهد داد. در هر حال این تحول نیز بخش مهمی از تاریخ مسجد جامع محسوب می‌شود

مرمت مسجد جامع

مرمت بناهای تاریخی، امری است ضروری، پایان ناپذیر و البته هزینه بر. در مورد بناهای آموزشی و مذهبی، معمولاً واقف یا واقفین برای مرمت و نگهداری بنا، هزینه‌ای را در نظر می‌گیرند، اما اگر رقبات وقفی به تاراج رفته یا ویران شده باشد، چه باید کرد؟ قبل از آمدن امامزاده به اصفهان، امیر قلی امینی ایده استفاده از درآمد وقفی مساجد و مدارس برای مرمت آنها را مطرح کرده بود. او در سال ۱۳۱۰ نوشت «آثار تاریخی اصفهان يك قسمتش از قبیل مسجدشاه، مسجدجامع و غیره موقوفات مهمی داشته است که در اثر بی‌دینتیی متولیان وقت اکثراً و بلکه عموماً به ملکیت اشخاص بر قرار گردیده و امروز حتی نام و نشانی هم از وقفیت آن‌ها در میان نیست» روزنامه گریزی به احیای یکی از موقوفات بزرگ مدرسه چهارباغ یعنی «مرغ ملک» زد که این رقبه با چوب قانون و دادگاه از دست موقوفه خواران درآمد و اضافه کرد «اگر متولیان سایر مساجد هم همین گونه از خود ابراز حس و دینت می‌کردند هرگز آن همه املاک موقوفه آن‌ها به ملکیت اشخاص و تصرف غاصبانه این و آن در نمی‌آمد. و از ید وقف منتزع نمی‌شد. مع‌هذا همین امروز هم اگر املاک موقوفه اصفهان به خوبی اداره شود می‌توان سالیانه قریب به دویست هزار تومان از آن‌ها بهره‌برداری نمود و به مصارف عمومی رساند. (روزنامه اخگر، ش ۵۴۷، ۱۷ فروردین ۱۳۱۰) یقیناً در سال ۱۳۱۳ همین رویکرد، یعنی احیای موقوفات ابنیه مذهبی، و ساماندهی تازه‌ای که در سطح کشور در مدیریت اوقاف انجام شد، موجب گردید بودجه‌ای برای مرمت مدارس و مساجد جمع شده و معماران، بنایان، کاشی کاران و ... برای مرمت فراخوانده شدند

مرمت‌های مسجد جامع از اوایل سال ۱۳۱۳ آغاز شد. بنابر گزارش «سالنامه معارف اصفهان» «از اوایل سال ۱۳۱۳ تعمیرات مسجد شروع گردید. بام‌های وسیع مسجد در نتیجه اهمال و بی‌اعتنایی متصدیان به حالت خاک پوسیده در آمده، آب باران و برف از هر طرف سقف‌ها، بر روی در و دیوار شبستان و محراب و سایر قسمت‌های تاریخی و نفیس مسجد نفوذ می‌کرد به همین نظر اقدام اول در تعمیر بام‌های مسجد شده و حقا باید گفت آقای مصطفوی^۱ نماینده اداره عتیقات در این قسمت بیش از آن چه وظیفه اداری

۱. محمد تقی مصطفوی زاده ۱۲۸۴ و فوت در ۱۳۵۹ از مدیران ارشد و فرهنگ دوست اداره باستان شناسی ایران بود. وی از مهر ۱۳۱۰ تا آبان ۱۳۳۷ در اداره عتیقات سابق که بعدها به اداره کل باستان شناسی تغییر یافت مشغول به کار بود. او نزدیک به پنجاه سال از زندگی خود را در باستان شناسی ایران گذراند. وی حدود ۱۲ کتاب در حوزه باستان شناسی دارد که «اقلیم پارس» یکی از آنهاست.



الزام می‌کرد ابراز علاقه و جدیت کرده است. و نیز در این دو ساله از غرفه‌ها و دیوارهای صحن مسجد تقریباً یک ربع ساخته شده و کاشی‌های آن نصب گردیده است. فعلاً شبستان طرف شمال غربی در دست تعمیر است و به همین نزدیکی خاتمه پیدا می‌کند. صفا معروف به صفا عمر که یکی از گوشه‌های زیبای این مسجد عظیم است، شکافی برداشته، مشرف بر سقوط و انهدام بود. وزارت معارف و اوقاف مبلغ هجده هزار ریال مخصوصاً برای جلوگیری از انهدام این بنا اخیراً ارسال داشته اند. تاکنون کلاف بندی آن به عمل آمده، پی‌ها بسته شده و قسمت‌های برچیدنی را برچیده‌اند و تقریباً خطر خرابی از بین رفته، به طور کلی از ابتدای سال ۱۳۱۳ تاکنون مبلغ ۱۹۱۸۱ ریال از محل عواید اوقاف، به مصرف تعمیرات مسجد جامع رسیده است» (سالنامه معارف اصفهان، ۱۳۱۴، ص ۹۸)

روزنامه اخگر هم در انعکاس اخبار مرمت مسجد مذکور غافل نبودند. او در ۵ خرداد ۱۳۱۴ چنین نوشت «چندی است که از طرف ریاست محترم معارف، به تعمیرات مسجد جامع با مختصر عایدی اوقافی اقدام گردیده و تحت نظر آقای مصطفوی ادامه دارد. در نتیجه رسیدگی معلوم شده که قسمت‌هایی از پشت بام‌های مسجد تعمیر فوری لازم دارد. به همین جهت با رعایت الاهم فالاهم فعلاً سه هفته است که بنا و عمله مشغول ترمیم و بندکشی و پوشش سقف‌های خراب شده ایوان زیبای سمت شمال مسجد می‌باشند که بابت نتیجه قسمت‌های گچ‌بری‌ها و خطوط نستعلیق و کوفی فوق‌العاده دلپسند ایوان مزبور محفوظ خواهد ماند و نیز برای حفظ مسجد از عبور و مرور زیاد و کثیف شدن آن بر اثر توقف عابرین و اشخاص متفرقه، از سه هفته قبل کلیه ورودی‌های مسجد مزبور، به استثنای درب بزرگ رو به خیابان هاتف و درب جنب مقبره مرحوم مجلسی، بسته و مقفل گردیده است و از هفته قبل درب اخیرالذکر نیز به استثنای روزهای پنجشنبه و جمعه بسته و مقفل شده و در نتیجه مسجد پاکیزه تر گردیده است و برای جلب توجه سیاحان بیشتر قابل توجه و دقت می‌باشد.» (اخگر، ش ۱۰۴۱، ۵ خرداد ۱۳۱۴) پس یک تصمیم مهم آن بود که فقط یکی از درب‌های مسجد باز بماند. جالب است که این تصمیم تا به امروز مجری است

تعمیرات به سال بعد کشیده شد. در خرداد ۱۳۱۵ معلوم شد که آندره گدارا توجه

۱. آندره گدار در سال ۱۸۸۱م در فرانسه به دنیا آمد. او در اوایل دوره پهلوی اول به ایران وارد شد و به استخدام دولت ایران درآمد. مسئولیت‌های او نظیر مدیر اداره عتیقات، فعالیت‌های پژوهشی، شناسایی و ثبت آثار فرهنگی ایران با همکاری ماکسیم سیرو و انتشار نشریه باستان‌شناسی بود. او نزدیک به ربع قرن در ایران حضور داشت در قسمت عمده‌ای از دوران رضاشاه او «رئیس اداره عتیقات کشور» بود. طراحی موزه ملی ایران، آرامگاه حافظ و سعدی و ... محصول کار اوست. گدار به طور مرتب به اصفهان سر زده و مرمت و حفاظت آثار تاریخی این شهر را زیر نظر داشت. وی در سال ۱۹۶۵ میلادی در ۸۴ سالگی در فرانسه درگذشت

ویژه‌های به مسجد نموده و یک نقشه اساسی برای مرمت آن تنظیم کرده است^۱ برای تعمیر مسجد جامع و صفه عمر عبدالعزیز، که یکی از صفه‌های خیلی مهم و بزرگ مسجد جامع به شمار می‌رود، و از هر جهت خراب و ویران گردیده بود، اخیراً از طرف آقای گدار، رئیس عتیقات، یک نقشه اساسی تنظیم و به توسط آقای مشکوه فرستاده شده که با کمال دقت و مراقبت به موقع اجرا گذارده شود و از یک هفته گذشته شروع به تعمیر یک قسمت از آن گردیده است.^۲ (روزنامه اخگر، ش ۱۱۴۳، ۱۱ خرداد ۱۳۱۵)

چند ماه بعد آندره گدار به اصفهان آمد و او هم نظراتی درباره مسجد جامع داد «روز جمعه آقای گدار، رئیس عتیقات، به اصفهان وارد و روز شنبه پریروز، از جناب آقای حکمران ملاقات نموده و در این دو روزه کلیه ابنیه تاریخی را بازدید و سرکشی نموده‌اند و در مسجد جامع دستوراتی راجع به آجرها و کاشی‌کاری گنبد خاکی و صفه صاحب و صفه عمر داده ...». (روزنامه اخگر، ش ۱۱۹۱، ۲۵ آبان ۱۳۱۵) در مورد تعمیر صفه عمر و مرمت‌های دیگر در سال ۱۳۱۵ گزارش‌ها و اسنادی برجای مانده است. (ساکما ۵۳۲۳ / ۲۵۰)

مدرس صفوی هم جزو مکان‌هایی بود که آندره گدار خواستار مرمت آن گردید «در موقعی که آقای گدار برای بازدید تعمیرات ابنیه تاریخی اخیراً به اصفهان آمده بودند، علاوه بر قسمت‌هایی که از ابنیه تاریخی فعلاً در دست تعمیر است، برای تعمیرات لازمه سایر قسمت‌های ابنیه تاریخی از قبیل گنبد خاکی و صفه صاحب و مدرس صفوی در مسجد جامع دستوراتی دادند». (اخگر، ش ۱۱۹۶، ۱۲ آذر ۱۳۱۵)

یک سال بعد جواد صهباء، نماینده اداره باستان‌شناسی در اصفهان گردیده بود. زیر نظر او سردرب محمد بایسنقر و گنبد خاکی^۲ مرمت شدند. «تعمیرات ابنیه تاریخی اصفهان تحت سرپرستی آقای صهباء، نماینده اداره کل باستان‌شناسی، با نهایت جدیت ادامه دارد. و در

۱. جواد مجدزاده صهباء (۱۳۲۴ - ۱۲۸۶ش) فرزند روزنامه نگار حرفه‌ای مجدالاسلام کرمانی بود. او در کرمان تولد یافت و سپس به تهران رفت. سرانجام نیز به اصفهان آمده و در سال ۱۳۱۶ رئیس اداره عتیقات اصفهان گردید. با فوت وی آخرین شماره روزنامه سرنوشت، یعنی روزنامه خودش، زندگی‌نامه مختصری از او به چاپ رسانید. (سرنوشت، ش ۸۷، ۱ خرداد ۱۳۲۴) درباره مقام رسمی و اقدامات او در اداره باستان شناسی، خود صهباء در روزنامه اش به مناسبتی نوشت «از سال ۱۳۱۶ که نگارنده به سرپرستی آثار تاریخی اصفهان مامور شدم و اندکی بعد تصدی تعمیرات ابنیه تاریخی یزد و کرمان نیز به بنده واگذار گردید، با وجود نداشتن اعتبار مکفی و فراهم نبودن وسایل کار، به قدر مقدور، در حفظ و نگاهداری آنها کوشیدم... به طور کلی اعتباری که همه ساله برای تعمیر آثار تاریخی به اختیار بنده گذاشته می‌شد از سالی هشت تا دوازده هزار تومان بیشتر نبود با این حال بر اثر عشق و علاقه فراوانی که به کار خود داشتیم، در این مدت به استثنای تعمیرات جزئی که در ابنیه مختلفه انجام داده‌ام، موفق شده‌ام که سردر و گنبد مسجدشاه، مسجد شیخ لطف الله، مدرسه چهارباغ، امامزاده اسماعیل، بابا قاسم، امامزاده احمد، قسمت‌های مختلف مسجد جامع، مدرسه شمس آباد، مسجد ایلچی، عالی قاپو و چندین بنای دیگر را طوری تعمیر کنم که حتی استادان فن از عهده تشخیص قسمت‌های قدیم و جدید آن بر نیایند...» (سرنوشت، ش ۵۱، ۱۴ شهریور ۱۳۲۳) صهباء سرانجام در سال ۱۳۲۴ در تخت فولاد اصفهان، تکیه بابارکن الدین آرام گرفت

۲. گنبد خاکی همان گنبد تاج الملک است که در شمال مسجد قرار دارد.



این ایام تعمیر گنبد خاکی و سردرب سلطان محمد گورکانی^۱ (مسجد جامع) و تعمیر سردرب مسجدشاه و قطارهای معرق آن کما فی الساباق در جریان می باشد. از چند روز پیش نیز برای تعمیر گنبد عظیم مسجدشاه مشغول تهیه چوب بست شده اند» (اخگر، ش ۱۳۱۴، ۲۸ بهمن ۱۳۱۶)

کارنامه مرمت آثار تاریخی اصفهان

بعد از شهریور ۲۰ اقدامات دوران رضاشاه به شدت مورد انتقاد فعالان سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. دوران خفقانی او که شخص او سرچشمه می گرفت به پایان رسیده و زبان مردم برای نقد و حتی ناسزا باز شده بود. با این حال اقداماتی که در زمینه حفظ و مرمت گنجینه های تاریخی شهرها صورت گرفته بود، به نیکویی مورد یادآوری قرار می گرفت. روزنامه اخگر در تیر ۱۳۲۱ از زبان یکی از خوانندگانش نوشت «یکی از اقدامات مفید دولت در بیست سال گذشته، تأسیس اداره باستان شناسی و توجه مخصوص به حفظ این آثار و از همه مهمتر کوتاه کردن دست مغرضین و مفت خواران از مفاخر تاریخی کشور بود. در این مدت وزارت فرهنگ به دست مأمورین صمیمی و کارشناس، قسمتی از این آثار را (تا آنجا که بودجه ناقابل باستان شناسی اجازه می داد) به بهترین وجهی تعمیر و ترمیم نمود. چنان که نمونه های برجسته آن در اصفهان گنبد و مسجد شیخ لطف الله، ایوان و سردر مسجدشاه، تمام مدرسه چهارباغ، قسمت عمده مسجد جامع، گنبد باباقاسم، و امامزاده اسماعیل و بسیاری از آثار تاریخی دیگر است. برخی نیز مانند گنبد مسجدشاه هنوز تحت تعمیر می باشند و امیدواریم کاشی کاری آن امسال تمام شود.» (اخگر، ش ۱۷۶۳، ۴ تیر ۱۳۲۱) خوشبختانه مرمت مسجد جامع اصفهان در دوران پهلوی دوم نیز رها نگردید و این بار «اوژن گالدیری» سرپرستی تیم مرمت را بر عهده داشت. او در کتاب های چندی، گزارش مرمت ها و پژوهش های مذکور را ثبت و ضبط کرده است. (گالدیری، بی تا و کتاب دیگر گالدیری، ۱۳۷۰) بدین ترتیب محققان و مرمت گران از سابقه کار آشنا می شوند. باقر آیت الله زاده شیرازی، در مقدمه کتاب جلد سوم گالدیری نوشت «بیش از شصت سال است که مسجد جامع اصفهان از دیدگاه های علمی به مفهوم امروزی مورد مطالعه و مرمت قرار داشته است. ولی باید اذعان کرد که اوج این توجه در سال پنجاه به بعد بوده است

۱. سردر مذکور همان است که در صحن مسجد، در ورودی شبستانی قرار دارد که محراب الجایتو و بیت الشتا در آن است. این شبستان را عمادالدین ورزنه ای وزیر محمد بن بایسنقر ساخته و کتیبه ای که در آنجا قرار دارد موبد آن است. محمد بن بایسنقر تیموری را نویسنده روزنامه به نام سلطان محمد گورکانی گفته است

که سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، با یاری گرفتن از همکاری‌های علمی موسسه ایزمئو دست به اقدامی اساسی و وسیع زد. پنج فصل کاوش‌های علمی به سرپرستی پروفیسور شرانو و هشت سال کار مستمر (در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷) به سرپرستی پروفیسور گالدیری منتج به برطرف شدن بسیاری از ابهامات تاریخی، معماری و سازه‌ای این مجموعه سترگ شده است» (گالدیری، ۱۳۷۰، پیشگفتار) مطالعات گالدیری پایه پژوهشی قرار گرفت که «اولگ گرابار»، از مورخان و پژوهندگان هنر اسلامی انجام داد و منتج به کتابی شد تحت عنوان «مسجد بزرگ اصفهان» که این کتاب با نگاهی ژرف، هنر نهفته در اجزای مسجد را بازنموده است. در مقدمه آن مهندس غلامحسین عسکری آورد «تعمیرات اساسی مسجد در زمان پهلوی اول آن را از ویرانی رهاوند، اما کار مستمر مرمت گران شرکت ایزمئو در دهه هفتاد میلادی، بررسی‌ها و تعمیرات، کاوش‌ها و گزارش‌ها، دانش ما را از این بنا به میزان بسیار چشمگیری افزود» (گرابار، ۱۳۸۸، پیشگفتار)

پایان سخن

مسجد عتیق یا مسجد جامع اصفهان از گنجینه‌های بی‌همتای اصفهان و جهان است. این مسجد در سال ۱۳۱۰ ثبت ملی و در سال ۱۳۹۰ به ثبت جهانی یونسکو رسید. بنابراین هر چقدر دایره اطلاعات و آگاهی‌های ما راجع به این مسجد مهم افزایش یابد، مناسبت دارد. مسجد جامع اصفهان با وجود ارزش‌های ذاتی و اهمیتی که دارد، به دلایل مختلف، از جمله از بین رفتن موقوفاتش، در دوران پس از مشروطیت رو به ویرانی می‌رفت که اداره اوقاف اصفهان به میدان آمد و با اعلان فراخوانی، از مردم مسلمان درخواست کرد پولی برای مرمت آن کمک کنند. این اسناد که در بالا بازخوانی شدند، وضعیت بحرانی مسجد را نشان می‌دهد. موقوفات آن را معرفی می‌کند و درآمدهای حاصل از هر یک را بازگو می‌نماید. آیا در آن زمان و با کمک مردمی مرمتی صورت گرفت یا خیر؟ معلوم نیست. اما در دوره رضاشاه و در زمانی که تاج الدین امامزاده ریاست اداره معارف اصفهان را در دست گرفت، از سال ۱۳۱۳ مرمت اساسی مسجد جامع و دیگر ابنیه مذهبی و غیرمذهبی اصفهان آغاز گردید. تحولاتی که در ساختار اوقاف کشور صورت گرفت، موجب شد مدیران اوقاف دست بازتری برای انجام این پروژه‌ها داشته باشند. از طرف دیگر ورود مقوله گردشگری به این عرصه، مدیران را برای انجام مرمت‌ها ترغیب کرد. مسجد جامع اصفهان نیز در این سال‌ها مورد مرمت قرار گرفت



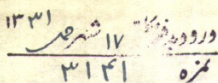
کتابنامه

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما) به شماره ۳۴۵۲۱ / ۲۹۷ «اعلان اداره اوقاف اصفهان به اهالی مبنی بر لزوم جمع آوری اعانه جهت تعمیر مسجد جامع عتیق» سال ۱۲۹۲
- سازمان اسناد (ساکما ۵۳۲۳ / ۲۵۰) «مکاتبات مربوط به اداره معارف و اوقاف اصفهان در زمینه تعمیر صفا معروف به عمر بن عبدالعزیز واقع در مسجد جامع اصفهان، تحت نظر گذار مدیر کل عتیقات، صورت وضعیت و گزارش مربوط به آن» سال ۱۳۱۵

کتاب ها، مقالات و روزنامه ها

- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۵) *تاریخ مشروطیت اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۷) *تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان
- رجائی، عبدالمهدی (۱۴۰۰) «اوراقی از دفتر حیات مدرسه سلطانیه چهارباغ در دوران معاصر»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۱۱۶، زمستان ۱۴۰۰
- *روزنامه اخگر*، محل نشر اصفهان، مدیر امیرقلی امینی
- *روزنامه سرنوشت*، محل نشر اصفهان، مدیر جواد صهبا
- *سالنامه معارف اصفهان*، ۱۳۱۴ - ۱۳۱۳، اداره معارف اصفهان
- عباسی، مهدی و شجری، رضا و شجاعی، سید حسن (۱۴۰۱) «سازماندهی نظام اوقاف و اهداف آموزشی آن در عصر پهلوی اول» *پژوهش‌های تاریخی*، ش ۵۴، تابستان.
- عقیلی، احمد (۱۳۸۵) *نگرشی بر مشروطیت اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- گالدیری، اوژن (۱۳۷۰) *مسجد جامع اصفهان*، ترجمه عبدالله جبل عاملی، اصفهان: مدیریت میراث فرهنگی استان اصفهان.
- گالدیری، اوژن (بی‌تا) *مسجد جمعه اصفهان در دوران آل بویه*، حسین علی سلطان زاده پسیان، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- گرابار، اولگ (۱۳۸۸) *مسجد بزرگ اصفهان*، ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی، تهران: مانی
- مهدوی، مصلح الدین (۱۳۸۴) *دانشمندان و بزرگان اصفهان*، به کوشش رحیم قاسمی و محمدرضا نیلفروشان، اصفهان: گلدسته.



اداره اوقاف اصفهان
سواد اعلان که حقه مسجد حسن صاحب زاده
اصغر علی محمد

[illegible]

اطلاعیه اوقاف اصفهان برای کمک به مسجد جامع سال ۱۳۳۱ ق



اداره اوقاف اصفهان

دائرہ

222

D
 ne
 100
 delo

خدمت ذریعہ تیس مہر دھاف دہم دہ

سجد جیست عیسیٰ که از بنا کار بر داشتی در سه روز و سه شب از هر عوالمی مفرج و رخصت داشت و در سه روز
فریب با نهادم روقفت باقی مانده از نام خبر بدو در اولاد او قاف داشت نزد ما
یازده تن از هر لایحه داشت حلیه بدو در دهه بعضی ربق است و تعمیر ربق است و دیگران در دهه
به ما هر تن در دهه رسیده است و یک ب دکان دیگر است که از طرف او در دهه تعمیر ربق است
تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است
سابقه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است
خیال و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است
مردم بداند که در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است
شروع عیسیٰ است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است و در دهه تعمیر ربق است

نامه میرزا مسیح رئیس اوقاف اصفهان به تهران و گزارش کار سال ۱۳۳۱ق





